

✱ امام مهدی کیست؟

پدرش امام حسن بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (دروید خداوند بر تمامی آنان باد) بود و مادرش کنیزی ترک و از سلاله اکی بود که با اوصیای عیسی بن مریم (ع) پیوند می یافت. نام این کنیز، نرجس یا صیقل بود. او پیش از ازدواج با امام حسن «علیه السلام» در کشور خود، به خاطر خوابی که دیده بود، اسلم آورد و هنگامی که طلایه داران سپاه اسلام به دیارش هجوم بردند خود را تسلیم آنان کرد تا تقدیر او را به خانه امام عسکری «علیه السلام» بیاورد و مام حجت خدا گردد.

✱ میلاد امام مهدی «عج»

در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری و در شهر سامراء پایتخت خلافت در روزگار معتصم عباسی، امام حجت «علیه السلام» چشم به جهان گشود. ولادت او را شواهدی بود که نشان می داد خداوند برای این نوزاد با سعادت چه اثری بر زندگی بشری تقدیر کرده است.

✱ پنهان بودن میلاد امام حجت «ع» :

ولادت امام زمان «ع» بدین گونه انجام پذیرفت و به خاطر شرایط سیاسی دوران در زیر پرده ضخیمی از کتمان پوشیده ماند. امام حسن عسکری «ع» تولد فرزند خوش را جز خواص اصحاب خود در میان ننهاده.

✱ روزگار امامت حجت «ع» چگونه آغاز شد؟

خلفای عباسی بنا بر عادت معمول خویش، هرگاه فرصتی برای کشتن اولیاءالله می یافتند، فوراً آنها را به زهر از پای در می آوردند. معتصم نیز امام حسن عسکری «ع» را به زهر شهید کرد و سپس در صدد یافتن فرزند آن حضرت برآمد تا او را نیز از میان بردارد و به خیال خویش دنباله امامت را نیست و نابود گرداند.

✱ غیبت صغری:

پس از آنکه پیشوایان هدایت، طی گذشت دو قرن و نیم از عمر رسالت پس از پیامبر (ص) احکام و شرایع دین را تبیین کرده بودند، و پس از آنکه گزیدگان امت از طریق جانشینان معصوم پیغمبران، پرچم آنها را بر دوش گرفتند و ریشه های شناخت و معرفت الهی در جان هزاران نفر استحکام پذیرفت، و از پس آنکه جریان مکتبی وظیفه انقلاب بر ضد ستم و طغیان را عهده دار گردید و در برابر انحرافات اساسی در دین قد راست کرد، خداوند برای ولی الله اعظم حضرت حجت بن الحسن «ع» غیبت صغری را مقدر فرمود. این غیبت از سال ۲۶۰ هجری تا سال ۳۲۹ هجری به طول انجامید. در طی این مدت عده ای به نام وکیل پل ارتباطی میان امام و شیعیان بودند. اینان عبارتند از:

(۱) ابو عمر و عثمان بن سعید. وی وکیل امام حسن عسکری «ع» بود و پس از درگذشت آن بزرگوار نایب امام حجت «ع» گردید.

(۲) پس از وفات عثمان در سال ۲۶۶ هجری، امام حجت «ع» فرزند وی ابو جعفر محمد بن عثمان را نایب خویش قرار داد. مدت نیابت محمد ۵۰ سال بود.

(۳) پس از محمد بن عثمان، فردی به نام حسین بن روح به نیابت رسید. او که از سال ۳۰۴ هجری بدین سمت منصوب شد برای مدت ۲۲ سال از جانب امام به عنوان مرجع شیعیان عمل می کرد.

(۴) پس از آنکه حسین بن روح ندای پروردگارش را اجابت گفت امام «ع»، علی بن سمری را به عنوان جانشین او تعیین کرد. علی بن محمد سه سال در این منصب باقی ماند و چون وفاتش نزدیک شد، از آن حضرت درباره کسی که پس از وی باید جانشین شود پرسش کرد اما آن حضرت به وی آگهی داد که پس از وفات او دوره غیبت صغری نیز به پایان می رسد.

در طول سالهای غیبت صغری چهار فقیه بزرگ یاد شده، به نیابت از امام نقش رهبری را ایفا می کردند و چه بسا این مدت برای تربیت امت برای گزینش رهبران خود در دوره غیبت کبری از میان فقها، کسانی که از نظر خصوصیتها به نواب اربعه بیشتر نزدیک باشند، کافی بوده است. چرا که فرض آن بود امت ا میان فقها عادل و راسخ در دانش اهل بیت، و زاهد در دنیا و کسانی که تبلور تعالیم مکتب هستند، بتواند کسی را برگزیند.

* شمایل و صفات امام مهدی «ع» :

اوصاف آن حضرت با دقت تمام از زبان پیامبر(ص) و ائمه «ع» بیان شده است. شاید فلسفه این امر بدان جهت بوده که با ذکر این اوصاف جلوی هر کسی را که قصد داشته ادعای مهدویت بکند، بگیرند. چرا که مساله ظهور امام مهدی «علیه السلام» در آخرالزمان یکی از ضرورت‌های دینی هم شده بود. از آنجا که فراهم آمدن تمام این صفات و ویژگیها، که در روایات اسلامی ذکر آنها رفته، در شخص مدعی مهدویت امکان ناپذیر است بنابراین باعث می شود تا دروغ او پیش مردم فاش شود.

۱- رسول خدا(ص) اوصاف مهدی «ع» را چنین بیان می فرماید :

« مهدی از من است. او بلند پیشانی است و دارای بینی باریکی است که میانش اندک برآمدگی دارد. مهدی از فرزندان من است. چهره اش چون ماه تابان است. چشمان گردی دارد. رنگش، رنگ عربی و بدنش، بدن اسرائیلی است. صورتش مثل دینار (گرد و سرخ) است. دندانهایش چون اَره (تیز و بران) و شمشیرش چون سوزش آتش است.

۲- امام «علی» نیز در توصیف قائم «ع» چنین فرماید:

« مهدی دیدگانی مشکی دارد و موهایی پرپشت. او دارای چهره سرخ و پیشانی نورانی است. صاحب خال و علامت است. دانایی است غیور و صاحب نشان است. ساحت و درگاهش از همه شما گشاده تر و دانش او از تمام شما افزون تر و بیش تر از همه شما به جای آرنده صله رحم است. به مرغ (که در آسمان پرواز می کند) اشاره می کند و در دستش فرو می افتد، و شاخی (خشک) دز زمین می کارد، سبز می شود و برگ می آورد».

۳- امام حسین «ع» درباره اوصاف آن حضرت فرماید:

« مهدی را از روی سکینت و وقاری که دارد و همچنین دانش او به حلال و حرام و نیازمندی مردم به او و بی نیازی او از ایشان می شناسید».

۴- امام باقر «ع» اوصاف مهدی را چنین بیان کرده است:

« سیاهی چشمانش تابنده و پنجه هایش قوی و زورمند است و زانوانش بزرگ و شکمش فربه است. پشت او دو خال است، خالی به رنگ پوستش و خالی همانند خال پیغمبر، ابروانش به هم پیوسته است، دیدگانش از کثرت شب بیداری و عبادت آشکار است، سیاهی چشمانش تابنده است در صورتش اثری (خالی) است، شینه اش فراخ است، شانه هایش را (به دو طرف بدنش) رها می کند و سر استخوانهای کتفش بزرگ و درشت است».

۵- امام صادق «ع» نیز درباره اوصاف مهدی فرموده است:

« مهدی خوش سیما و گندمگون است که به سرخی می زند، ابروکمان او نورانی است و سیاهی چشمانش بغایت سیاه است، چشمان فراخ دارد، بالای بینی اش برآمده است، بینی عقابی دارد و پیشانی بلند. او خاشع است و نازک مثل شیشه، هیبتش مردم را می ترساند، به مردم و دلها نزدیک است، شیرین گفتار و خوش سیماست، ساقهایش باریک است و بدنی نیرومند دارد، چون بر کوه بانگ زند صخره ها از هم بپاشند و فرو ریزند، دست بر بنده ای نمی نهد جز آنکه دلش همچون پاره های آهن (سخت و نیرومند) می گردد، نه بسیار بلند بالاست و نه بسیار کوتاه بلکه میانه قامت است، سر گرد دارد و سینه فراخ، بلند پیشانی است و ابروهایش پیوسته است، بر گونه راستش خالی است گویا دانه مشک است که بر قطعه انبر ساییده باشند».

۶- امام رضا «ع» نیز اوصاف مهدی را چنین بیان کرده است:

« او شبیه من و شبیه موسی بن عمران است. هاله هایی از نور او را احاطه کرده که به پرتو قدس درخشیدن گیرد. دارای اعتدال اخلاق است و رنگی شاداب دارد. در هیأت بدنی به رسول خدا(ص) مانند است نشانه اش آن است که (از نظر سن) سالخورده است اما جوان سیماست تا آنجا که بیننده او را چهل ساله یا کمتر می انگارد. دیگر از علایم او آن است که تا گاه مرگ و با وجود گذشت روزها و شبها، اصلاً پیر نمی شود».

* مهدی «ع» در آیات و روایات:

ظهور عزیز «ع» و بازگشت عیسی «ع» و رجعت بهرام در ادیان یهودی و مسیحی و زردشتی با ظهور خاتم اوصیا، حضرت حجت «ع» تحقق خواهد پذیرفت.

تفسیر پنجاه آیه قرآن و دهها حدیث از پیغمبر(ص) و صدها روایت نقل شده از اهل بیت همه با ظهور آن حضرت صورت تمام به خود می گیرد.

بیش از ۶۵۷ حدیث درباره مهدی «علیه السلام» به تواتر نقل شده است.

این روایت ها را بزرگان اصحاب پیامبر(ص) نقل کرده اند. درباره ظهور آن حضرت، دانشمندان اهل سنت بیش از ۱۴۴ کتاب نوشته اند.

بسیاری از دانشمندان مسلمان، از مذاهب مختلف، مدعی تواتر حدیث در این باره هستند و ما نیازی به بحث با ادیان آسمانی درباره شخص مهدی نداریم چون دارای زمینه مشترک حدیث با آنها نیستیم بلکه به جای پرداختن به این کار باید به بحث پیرامون نظریه ای پردازیم که می گوید مهدی در آخرالزمان متولد می شود و سپس ظهور می کند. ما گمان می کنیم به زندگی امام، به عنوان یک مشکل درونی نمود پیدا می کند. بنابراین به ما اجازه دهید نخست به بحث پیرامون قضیه طول عمر پردازیم و آنگاه درباره آن نظریه به بحث بنشینیم.

* دین و پدیده طول عمر

اینک از بعد دینی محض درباره این موضوع گفتگو می کنیم. هر یک از معتقدان با ادیان یهودی، مسیحی و اسلامی بر این باورند که قدرت خداوند شامل تمام امور و از جمله دراز گرداند عمر یکی از افراد بشر می شود. بنابراین کسی که باید در هفتاد سالگی بمیرد، خداوند می تواند او را بطور مثل تا هزار سالگی هم زنده بدارد.

آنها عملاً چنین اعتقادی دارند. زیرا هنوز هم بطور اصولی حیات بسیاری از کسانی که جلوتر از امام مهدی «ع» به دنیا آمده اند، مثل خضر، ادریس و عیسی «ع»، را پذیرفته اند و عقیده دارند که آنها در آینده نیز زنده خواهند ماند.

بعلاوه کتابهای دینی آنان نشانگر آن است که برخی از افراد بشر در گذشته های دور مدت درازی در بین مردم زیسته اند. به عنوان مثال آدم بنابر اعتقاد یهود که در تورات هم بدان اشاره شده، ۹۳۰ سال عمر کرد. در این باره در تورات آمده است:

« تمام مدت عمر آدم ۹۴۰ سال بود و آنگاه بمرد». (سفر تکوین / اصحاح پنجم / آیه ۵).

شیت نیز بنا به تصریح تورات ۹۱۲ سال زیست:

« تمام مدت عمر شیت ۹۱۲ سال بود و آنگاه بمرد». (سفر تکوین / اصحاح پنجم / آیه ۸).

نوح نیز به اعتقاد آنها ۹۵۰ سال عمر کرد:

« تمام مدت عمر نوح ۹۵۰ سال بود و آنگاه بمرد». (سفر تکوین / اصحاح نهم / آیه ۲۹).

مسلمانان نیز بر این باورند که عیسی و خضر و الیاس زنده اند. یادآوری این حقایق ما را ذکر اسامی معمرین بی نیاز می گرداند بویژه آنکه ما ثابت کردیم که طول عمر عقلاً ممکن و عملاً واقع شدنی است.

* آیا امام مهدی زنده است؟

قبلاً گذشت که مذاهب اسلامی تقریباً بر قضیه وجود مصلحی که به امر خدا در آخرالزمان قیام می کند و از نسل رسول خدا(ص) و فرزند فاطمه «ع» است، اتفاق نظر دارند. کتابهای آنان آکنده از احادیثی است که به تواتر برای اثبات این نکته وارد شده است. بعلاوه بسیاری از دانشمندان مسلمان کتابهایی درباره این موضوع بطور مشروح و مفصل نگاشته اند. البته ما منکر وجود عده دیگر از دانشمندان که با این عقیده مخالفند، نیستیم. این عده درباره این احادیث می گویند: حدیثهایی که دارای غرایب است پذیرفتنی نیستند. اما در پاسخ به اینان نباید گفت: احادیثی که درباره مسأله مهدی وارد شده پر غرابت تر از احادیثی که درباره امتهای پیشین و معجزاتی که در زمان آنها روی داده و آیاتی که بر دست ایشان آشکار گشته است، نیستند.

در اینجا باید در نکته ای را متذکر شد و بدان پرداخت که مذاهب اسلامی درباره آن به اختلاف پرداخته اند. سؤال این است:

آیا امام مهدی «ع» فعلاً زنده است یا اینکه در آینده به دنیا خواهد آمد؟ پیش از آنکه وارد این بحث شویم باید این نکته را یادآوری کنیم که هیچ کدام از مذاهب اسلامی وجود امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) را انکار نکرده اند اما تأویل روایاتی که در این باره وارد شده تنها یک علت داشته است و آن بعید شمردن عمر آن حضرت از سال ۲۵۵ هجری تا کنون است. قبلاً در پرتو تجارب نوین علمی و اعتقادات دینی، در این باره سخن گفتیم. بنابراین علتی که موجب انکار آنان بشود باقی نمی ماند لیکن آنها می گویند دلیل قاطع شما بر این عقیده چیست؟

پاسخ: درباره زنده بودن امام مهدی «عج» دلایل و شواهد فراوانی وجود دارد که ذیلاً به پاره ای از آنها اشاره می شود: الف/ احادیث پیامبر(ص) در مورد ائمه اثنی عشر، به تواتر نزدیک است و دانشمندان مسلمان بر صحت آنها و نیز ثقه بودن راویان آنها اجماع کرده اند. در زیر به برخی از این احادیث اشاره می کنیم:

۱- از جابر بن سمره نقل است که گفت: شنیدم پیغمبر(ص) می فرماید: «پس از من دوازده امیر باشند ...». آنگاه کلمه ای گفت که من نشنیدم. پدرم گفت: آن حضرت فرمود: «... همه آنها از قریش هستند».

۲- رسول خدا(ص) فرمود: «پس از من دوازده امیر باشند ...». سپس چیزی فرمود که من نفهمیدم. از کسی که پشت سرم بود سؤال کردم. گفت: آن حضرت فرمود: «... همه آنها از قریش هستند».

ترمذی گوید: این حدیث حسن و صحیح است.

۳- (جابر) گوید: با پدرم نزد پیامبر(ص) رفتیم. شنیدم که آن حضرت می فرمود: «این امر پایان نیابد مگر اینکه دوازده خلیفه در بین آنها(مردم) بیایند ...».

جابر بن سمره گوید: سپس سخنی فرمود که بر من معلوم نشد. از پدرم پرسیدم: چه فرمود؟ گفت: او فرمود: «... همه از قریش هستند».

۴- جابر بن سمره گوید: شنیدم از رسول خدا(ص) که می فرمود:

«این دین تا(روی کار آمدن) دوازده خلیفه همچنان ارجمند باقی می ماند. مردم تکبیر گفتند و فریاد کشیدند ...». آنگاه سخنی آهسته بر زبان آورد. از پدرم پرسیدم: پدر او چه فرمود؟ گفت او فرمود: «... همه آنها از قریش هستند».

۵- جابر گوید: از پیامبر(ص) شنیدم که فرمود: «این امت را دوازده خلیفه باشد».

اگر احادیثی را که در نزد فریقین صحیح است و بر این نکته تصریح دادند که خلفا از قریش هستند به آن اخبار روایاتی که مکارم و فضایل اهل بیت را بیان می کنند و خاطر نشان می سازند که آنها مثل ستارگان، زمینیان را حفظ و هدایت می کنند، بیفزاییم و تمام آنها را به احادیثی اضافه کنیم که بیان می کنند کار دین و خلافت به آنها منتهی خواهد شد و اگر حتی دو نفر در زمین باقی باشند آنها خواهند بود، و نیز یافتیم که مهدی می بایست از آنها باشد و مهدی آنها

آخرین ایشان است و اگر بدین احادیث روایت‌هایی را که از پیغمبر(ص) نقل شده که فرموده است: «آخرین این دوازده نفر قائم امت و مهدی آن است».

اضافه کنیم، با شناخت تمام این احادیث، میتوانیم گفت: امام فعلاً وجود دارد چون دوازدهمین ائمه «ع» است. یازدهمین امام حضرت حسن عسکری «ع» بوده که به اجماع مورخان جز یک پسر از خود بر جای نگذاشته، چنانکه در اخبار آمده است، و این پسر همان مهدی است. بنابراین او باید زنده باشد.

ب/ پیش از این گفتیم باید حجتی دایم برای مردم باشد تا به مثابه یک حلقه مردم را با پروردگار مرتبط سازد. اگر این سخن ثابت شود، حیات امام و وجود فعلی او به عنوان راهبری خلق نیز ثابت خواهد شد. غیبت آن حضرت مستلزم آن نیست که از او فایده‌تی نباشد. چون او به طبیعت ارتباط غیبی خویش با خداوند توانا و دانا خواهد بود که به پیامبر یا جانشین او همچون امام مهدی «عج» همین تواناییها و شایستگیها را عنایت فرماید.

اگر سنت جاری خداوند در میان بندگان این گونه باشد که برای هر کار سببی قرار دهد و کارها را با اسباب آنها به جریان اندازد چه مانعی است از پذیرش تئوری سبب قرار دادن یکی از بندگان صالح و مطیع خدا ولو به صورت غیبی برای برخی از امور؟ چنان که ما درباره امام حجت «ع» همین عقیده را داریم.

از اینجا می توان دریافت که ایمان به امام غایب، بخشی اساسی از ایمان به غیب به عنوان یک کل است و کسی نمی تواند ایمان خود را بخش کند یعنی تسلیم غیب شود اما تأیید امام حجت به غیب را انکار کند، یا به پشتیبانی و تأیید فرشتگان از رسول خدا ایمان بیاورد امام به ممکن بودن تأیید و پشتیبانی امام غایب از صالحان کفر بورزد.

* مهدی، حجت شاهد

امام حجت «ع» به رخصت خداوندی شاهد بر مردم است. شناخت مؤمنان از این حقیقت موجب می شود که آنها در نیکیها شتاب گیرند و به سرور خویش اقتدا کنند و حیات خویش را نسخه ای از حیات سرور و ولی امر خود قرار دهند. از آنجا که حجت «علیه السلام» پیشوای زنده است و رهبری حقیقی از آن اوست، بنابراین کسی جانشین اوست که بدو نزدیک تر باشد و بهتر به هدایت او اقتدا کند. از این رو آن حضرت به منزله میزان در انتخاب رهبری است و حتی می تواند خط الهی را که صالحان بدان گرایش دارند از خطوط پراکنده ای که ایمان راست و استوار نیستند، جدا سازد.

از برخی نشانه ها که پیش از ظهور قائم «ع» ظاهر می شوند، سخن می گوئیم. در فصل گذشته درباره برخی از نشانه های ظهور همچون فراگیر شدن فساد و ستم در تمام زمین و گسترش فحشا و گردنکشی و دگرگونیهای آسمانی و قحط شدید و جنگهای خونین که دوسوم از ساکنان روی زمین را در کام خود فرو می برد، و ظهور کسی که دجال خوانده می شود و مردم را به باطل دعوت می کند و آنها نیز به گرد وی جمع می شوند و بالاخره ادعای بعضی که می گویند او مصلح اکبر است و سپس ناکامی او در متحقق ساختن مدعایش، سخن گفتیم. ما در ذکر این نشانه ها به روایاتی که از فرودگاههای وحی (معصومان «ع») صادر شده، تکیه می کنیم.

۱- رسول خدا(ص) فرمود:

« مهدی این امت از ماست، هنگامی که هرج و مرج دنیا را فراگیر و فتنه ها آشکار گردند و راهها ناامن شود و برخی بر برخی هجوم برند. پس بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک پاس بزرگ را ندارد. در این هنگام خداوند مهدی ما را مبعوث فرماید. او نهمین کس از فرزندان حسین «ع» است. دژهای ضلالت و دلهای بی خبر را بگشاید، در آخرالزمان به کار دین پردازد چنانکه من در اول الزمان بدان پرداختم، زمین را از عدل و داد بیاکند چنانکه از ظلم و بیداد پر شده باشد».

۲- همچنین آن حضرت در ضمن حدیثی طولانی که از علی «ع» نقل است. فرمود: « سپس ندایی برخیزد که از دور شنیده شود چنانکه از نزدیک. این ندا رحمت است بر مؤمنان و عذاب است بر کافران. (علی گوید): پرسیدم: این ندا

چیست؟ فرمود: سه نداست در ماه رجب نخستین آنها این است: لعنت خدا بر ستمگران و دومی این است: نزدیک شونده نزدیک شد و سومی این است: پیکر آشکاری را با طلیعه خورشید می بینند (که می گوید): هان که فلانی مبعوث شد و نسب او را تا علی ذکر می کند. هلاک ستمگران در این روز است و در این هنگام گشایش حاصل می شود. عرض کردم: رسول خدا! پس از من چند امام خواهد بود؟ فرمود: پس از حسین ۹ امام که نهمین آنان قائم ایشان است».

۳- در حدیث دیگری از رسول خدا(ص) نقل است که عرض کرد: خدای من و سرورم! چه وقت مهدی ظهور خواهد کرد؟ خداوند به او وحی کرد: این امر هنگامی روی دهد که علم کنار رود و جهل آشکار گردد، قاریان (قرآن) فزون شوند و عمل اندک شود. کشتار زیاد شود و فقیهان هدایتگر کم شوند، و فقیهان گمراهی و خائنان زیاد شوند، شاعران فراوان گردند، امت تو قبرهایشان را مسجد گیرند. مصحفها و مسجدها زیور و زینت داده شوند، ستم و تباهی فزونی گیرد، نیرنگ آشکار شود و کار امت بدان وابسته باشد، نهی از معروف شود، و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا ورزند، امیران کافر باشند و دوستانشان فاجر و یارانشان ستمگر، و صاحب نظرانشان فاسقان. در این هنگام سه نشانه پدید خواهد آمد: خسوفی در مشرق و خسوفی در مغرب و خسوفی در جزیره العرب و نیز در بصره به دست یکی از افراد نسل تو که زنگیان او را پیروی می کنند، خرابی پدید آید و مردی از تبار حسین بن علی «ع» خروج می کند، و دجال ظاهر می شود، از مشرق، از سجستان، خروج می کند و سفیانی ظاهر می شود».

۴- آن حضرت در حدیثی در این باره فرماید:

« به خاطر داشته باش ... علامت ظهور حجت این است که چون مردم نماز را میراندند و امانت را ضایع کردند و دروغ را روا شمردند و ربا خوردند و رشوت ستاندند و ساختمانها را محکم ساختند و دین را به دنیا فروختند، سفیهان و نابخران را بکار گرفتند و با زنان رایزنی کردند، پیوندهای خویش را قطع کردند، پیرو هواها شد، و خونها را کوچک شمردند ... حلم، ضعف باشد و ستمگری فخر، امیران فاجر باشند و وزیران ستمگر، کارگزاران قوم خائنان باشند و قاریان فاسقان، گواهی بنا حق آشکار گردد، گناه و تباهی و بهتان و گناه و طغیان فزونی پذیرد، مصحفها و مسجدها زینت و زیور داده شوند، مناره ها بلند ساخته شوند، اشرار قدردانی شوند، صفها شلوغ گردند، تمایلات مختلف شوند، پیمانها زیر پا نهاده شوند، آنچه وعده داده شده نزدیک شود، زنان به خاطر حرص به دنیا با شوهرانشان در تجارت مشارکت کنند، بانگ فاسقان بلندی گیرد و سخن آنان اطاعت شود، رهبر قوم پست ترین آنها باشد و از ترس شر گنهکار از او بترسند و پرهیز کنند، دروغگو را تصدیق کنند، آخر این امت اول آن را نفرین فرستد، زنان خود را همانند مردان سازند و مردان به زنان همانند شوند، شاهد بی آنکه از او شهادتی خواسته باشند گواهی جز دین به تفقه پردازد، کار دنیا بر آخرت ترجیح داده شود، پوست میش بر دلهای گریه بیپوشانند حال آنکه دلهایشان بویناک تر از مردار باشد، در این هنگام است الوحی الوحی، العجل العجل. در آن روز بهترین خانه ها بیت المقدس خواهد بود و بر مردم زمانی خواهد آمد که هر کس آرزو می کند ای کاش او هم یکی از ساکنان بیت المقدس بود».

۵- آن حضرت همچنین در این باره فرماید:

« خروج قائم «ع» را ده علامت باشد: نخستین آنها شکافتن رایتها در کوچه های کوفه و تعطیل مسجدها و نرفتن حاجیان به حج و خسف و قذف در خراسان و طلوع ستاره دنباله دار و نزدیک شدن ستارگان و هرج و مرج و قتل و غارت، اینها ده نشانه اند. از یک نشانه تا نشانه دیگر شگفتی است. پس چون نشانه ها تمام و کامل گردند قائم ما قیام خواهد کرد.

۶- امام حسین «ع» فرمود: « چون دیدید منادی از مشرق سه یا هفت روز ندا در داد، منتظر فرج آل محمد(ص) باشید(ان شاءالله) منادی از آسمان به نام مهدی بانگ می زند. ندای آواز مشرق و مغرب شنیده می شود و هیچ کس

خواب نمی ماند جز اینکه بیدار می شود و هیچ کس ایستاده نیست مگر اینکه می نشیند و کسی ننشسته جز آنکه هراسان به پا بر می خیزد. پس بیمارزد کسی را که این صدا را نشنود و آن را پاسخ گوید. زیرا صدای اول، صدای جبرئیل روح الامین است.

۷- در حدیثی از رسول خدا(ص) نقل شده است که فرمود:

« سلمان! سوگند به آن که جانم به دست اوست هنگام ظهور چیزی از مشرق و چیزی از مغرب آورده شود. پس وای بر ناتوانان امتم از آنها و وای بر ایشان از خدا که به کوچک رحم نمی کنند و بزرگ را پاس نمی دارند و از گنهکار جلوگیری نمی کنند، کالبدشان کالبد آدمیان است و دلهایشان دلهای شیاطین ...».

سپس فرمود: « ... اندکی نمی پاید تا آنکه زمین از بسیاری باریدن باران بر آن (گل) و سست می شود همه خیال می کنند این امر حادثه ای مربوط به همان ناحیه خودشان. پس در میان مردم خویش درنگ می کنند و زمین پاره های جگر خویش را به سوی آنان پرتاب می کند. فرمود: یعنی طلا و نقره را. سپس با دست خویش به ستونها اشاره فرمود و گفت: مثل این. در این روزنه طلا سود می بخشد و نه سیم و این معنی قول خداوند که فرمود: « همانا نشانه های آن فرا رسید.»

۸- از ابو محمد بن «علی» نقل است که فرمود:

مهدی «ع» ظاهر نشود مگر بر ترس شدید و زمین لرزه و فتنه ای که به مردم می رسد و پیش از این طاعون است و شمشیری که که جدا کننده میان عرب است و (درگرفتن) اختلاف شدید بین مردم و پراکندگی در دینشان و دگرگونی در حالشان، (تا آنجا که) فرد هر بام و شام به خاطر ستیزه گریهای مردم و خوردن آنها یکدیگر را تمنای مردن می کند. خروج او (مهدی «ع») موقعی است که (مردم) از گشایش ناامید و مأیوس باشند. پس خوشا بحال آن که مهدی را درک کرد و از یارانش شد و وای و بس وای بر آن که با او و فرمانش راه مخالفت پیشه کرد.»

۹- از ابو عبدالله امام صادق «ع» نقل است که فرمود:

« پیش از قیام قائم «ع» پنج نشانه باشد: یمانی، سفیانی، منادی که از آسمان ندا می دهد، خسف در بیداء و کشته شدن نفس زکیه. فرمود: بین (قیام) قائم آل محمد و کشته شدن نفس زکیه جز پانزده روز فاصله نباشد.» همان امام «علیه السلام» در حدیث دیگری فرماید: « پنج روز اول از ماه رمضان، پیش از قیام قائم، خورشید می گیرد.» علاوه بر آنچه گفته شد نشانه های بسیار دیگری نیز ذکر شده که به خاطر وجود تشابه میان آنها و روایاتی که مذکور افتاد، به همین مقدار بسنده کردیم.

از امام صادق «ع» نقل کرده اند که فرمود:

« کوفه از وجود مؤمنان خالی خواهد شد، علم و دانش از آن رخت بر بندد و نهان شود چنانکه مار در سوراخ پنهان می گردد، سپس علم و دانش در دیاری که بدان قم می گویند آشکار می شود و این شهر معدن علم و فضل می گردد تا زمانی که در زمین مستضعفی در دین باقی نماند حتی دوشیزگان پشت پرده. این امر صورت نمی بندد مگر هنگام نزدیک شدن ظهور قائم ما. پس خداوند(قم) و مردم آن را قائم مقام حجت «علیه السلام» قرار می دهد و اگر چنین نمی بود زمین اهلش را در کام خود فرو می برد و در زمین حجتی نمی ماند تا علم از او به دیگر سرزمینها در مشرق و مغرب سرازیر شود و بدین وسیله حجت خدا بر خلق تمام گردد تا آنکه کسی بر زمین نمی ماند که دین و علم بدو نرسیده باشد. سپس قائم ظاهر می شود و سبب کین کشی خداوند و خشم وی بر بندگان می شود زیرا خداونداز بندگان کین نمی کشد مگر پس از وقتی که حجت او را منکر شوند.

۱- تو پناه منی:

« ... لا اله الا الله حقاً. لا اله الا الله صدقاً صدقاً. لا اله الا الله تعبداً ورقاً.»

اللهم معز كل مؤمن وحيد، و مدل كل جبار عنيد، انت كنفى حين تعيينى المذاهب، و تضيق على الارض بما رحبت».

« به حقيقت، به حقيقت كه هيچ معبودى جز خداى يگانه نيست و براستى، براستى هيچ معبودى جز خداى يگانه نيست، از روى تعبد و بندگى جز خداى يكتا هيچ معبودى نيست. خدايا! اى عزت بخش هر مؤمن تنها، و اى خوار كننده هر ستمگر ستيزه جو، تو پناه منى هنگامى كه مذاهب مرا فرسودند و زمين با همه فراخى اش بر من تنگ آمد.»
اللهم خلقتنى و كنت غنياً عن خلقى و لولا نصرک اياى لكنت من المغلوبين يا منشر الرحمة من مواضعها و مخرج البركات من معادنھا و يا من خصّ من نفسه بشموخ الرفعة، فأولياؤه بعزه يتعززون يا من وصغنت له الملوك نير المذلة على اعناقهم فهم من سطوته خائفون، اسلك باسمك الذى فطرت به خلقك فكل لك مذعنون، اسألک ان تصلى على محمد و على آل محمد.

« خدايا! مرا بيافريدى حال آنکه از خلقت من بى نياز بودى و اگر يارى دادنت به من نمى بود من از شکست خوردگان مى بودم. اى كسى كه رحمت را از جاىگاههايش مى گسترانى و برکتها را از معدنهايش برون مى کنى. اى كسى كه از نفس خویش رفعت و بلندی را ویژه مى گرداند، پس اوليايش به عزت او سرافرازی مى جویند، اى كسى كه پادشاهان برايش يوغ خواری بر گردنهایشان مى نهند و از خشم و قدرت او هراسانند، از تو مى خواهم به نامت كه مخلوقات را بدان بيامرزیدی، پس همه برای تو فروتن و خوارند، از تو مى خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستى.»
و ان تتجز لى امرى و تعجل لى الفرج و تكفى و تعافينى و تقضى حوائجى، الساعة الساعة الليلة الليلة، انك على كل شىء قدير.

و كار مرا محقق فرمايى و در گشايش براى من تعجيل بورزى و مرا يارى دهى و عافيتم ارزانى فرمايى نيازهايم را برآورده سازى همين ساعت همين ساعت و همين شب همين شب كه تو بر هر چيز توانايى.
۲- ستايش براى توست:

« اللهم ان اطعتك فالمحمدة لك و ان عصيتك فالحجة لك. منك الروح و منك الفرج، سبحان من انعم و شكر، سبحان من قدر و غفر، اللهم ان كنت قد عصيتك فانى قد اطعتك فى احب الاشياء اليك و هو الايمان بك، لم اتخذلك ولداً و لم ادع لك شريكاً، مثاً به على. لا مثاً منى به عليك و قد عصيتك يا الهى على غير وجه المكابرة و لا الخروج عن عبوديتك و لا الجحود لربوبيتك و لكن اطعت هواى و ازلنى الشيطان فلک الحج علىّ والبيان.»
خدايا! اگر تو را فرمان بردم پس ستايش از آن توست و اگر تو را نافرمانى کردم، حجت براى تو از توست روح و از توست گشايش، منزّه است آن كه نعمت داد و سپاس گزارد، پيراسته است آن كه قدرت يافت و آمرزيد. خدايا! اگر تو را نافرمانى کرده بودم پس تو را در محبوب ترين چيزها به درگاهت كه همان ايمان به توست، اطاعت کردم. براى تو فرزندی نگرفتم و شريكى براى تو ادعا نکردم و اين منتى است بواسطه ايمان، از تو بر من نه منتى بدان از سوى من بر تو. خداوندا! تو را مهصيت کردم اما نه از روى گردنكشى و نه از روى خروج از بند بندگى است و نه از روى انكار به ربوبيت تو، ليكن هواى خویش را فرمان بردم و شيطان مرا گمراه ساخت پس حجت و بيان از آن توست بر من.
۳- خدايا! سختى گران شد:

خدايا سختى گران شد و كار روشن گشت و پرده فرو افتاد و اميد قطع شد و زمين تنگ گرديد و آسمان بازداشته شد و تويى يارى گرفته شده و به درگاه توست شكایت و در شدت و راحت تكيه بر توست.

۴- خدايا روزى مان ده:

« اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و بعد المعصية و صدق النية و عرفان الحرمة و اكرمنا بالهدى و الاستقامة و سدّد السنننا بالصواب و الحكمة و املاء قلوبنا بالعلم و المعرفة و طهر بطوننا من الحرام و الشبهة و اكفف ايدينا عن الظلم و السرقة و اغضض ابصارنا عن الفجور و الخيانة و اسدد اسماعنا عن اللغو و الغيبة و تفضل على علمائنا بالزهد و النصيحة و على المتعلمين بالجهد و الرغبة و على المستمعين بالاتباع و الموعدة و على مرضى المسلمين بالشفاء و الرحة و على مو تا هم بالرأفة و ارحمة و على مشايخنا بالوقار و السكينة و على الشباب

بالانابة و التوبة و على النساء بالحياء و العفة و على الاغنياء بالتواضع و السعة و على الفقراء بالصبر و القناعة و على الغزاة بالنصر و الغلبة و على الاسراء بالخلاص و الراحة و على الامراء بالعدل و الشفقة و على الرعية بالانصاف و حسن السيرة و بارك للحجاج و الزوار فى الزاد و النفقة و اقض ما او جبت عليهم من الحج و العمرة بفضلک و رحمتک يا ارحم الراحمين».

خداوند! به ما توفيق طاعت و دورى از گناه و صدق نیت و شناخت حرمت روزى فرما و به هدايت و استقامت مكرم بدار و زبانهاى ما را به گفتن صواب و حکمت استوار گردان و دلهاى ما را به علم و معرفت سرشار کن و شکمهاى ما را از حرام و شبهه پاک فرما و دستان ما را از ستم و دزدى باز دار و چشمان ما را از گناهانو خيانت فرو بند و گوشهاى ما را از شنيدن گفتار بيهوده و غيبت ببند و زهد و خيرخواهى بر علمای ما و تلاش و رغبت بر دانش اندوزان و پیروى و موعظت بر شنوندگان و شفا و راحت بر بيماران مسلمين و رأفت و رحمت بر مردگانشان و وقار و آرامش بر پيرانشان و بازگشت و توبه بر جوانان و حيا و عفت بر زنان و تواضع و گشاده دستى بر توانگران و صبر و قناعت بر تهيدستان و يارى و پیروزی بر جنگجویان و رهايى و راحت بر اسيران و عدل و مهربانى بر فرمانروايان و انصاف و خوشرفتارى بر مردم ارزانى فرما و براى حاجيان و زائران در توشه و نفقه برکت قرار ده و آنچه که از حج و عمره برايشان واجب کردى به جاى آر به فضل و رحمت اى مهربان ترين مهربانان.

۵- زهد را با ايشان شرط کردى:

« اللهم لك الحمد على ماجرا به قضاؤك فى اوليائك الذين استخلصتهم لنفسك و دينك اذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم المقيم الذى لا زوال له و لا اضمحلال بعد ان شرطت عليهم الزهد فى درجات هذه الدنيا الدنية و زخرفها و زبرجها فشرطوا لك ذلك و علمت منهم الوفاء به فقبلتهم و قربتهم و قدمت لهم الذكر العلى و الثناء الجلى و اهبطت عليهم ملائكتك و كرمتهم بوحيك و رفدتهم بعلمك و جعلتهم الذريعة اليك و الوسيلة الى رضوانك فبعض اسكنته جنتك الى ان اخرجته منها و بعض حماته فى فلکک و نجيته و من آمن معه من الهلكة برحمتك و بعض اتخذته لنفسك خليلاً و سألک لسان صدق فى الآخرين فأجبتة و جعلت ذلك علياً و بعض كلمته من شجرة تكليماً و جعلت له من اخيه رداءً و وزيراً و بعض اولدته من غير أب و آتيته البيئات و أيدته بروح القدس و كلاً شرعت له شريعة و نهجت له منهاجاً و تخيرت له أوصياء مستحفظاً بعد مستحفظ من مدة الى مدة اقامة لدينك و حجة على عبادك و لئلا يزول الحق عن مقره و يغلب الباطل على اهله و لئلا يقول احد لولا ارسلت الينا رسولا منذراً و أقمت لنا علماً هادياً فنتبع آياتك من قبل ان نذل و نخزى».

«خدايا! سپاس و ستايش از آن توست بر آنچه که درباره اوليای خویش تقدیر فرمودى كسانى که بر اى خود و آيينت مخصوص کردى، چون بزرگ نعيم باقى و بى زوال ابدى را که نزد توست براى ايشان اختيار کردى، پس از آنکه زهد در دنيای دون و زيور زينت آن را با آنان شرط نمودى و آنها هم بر اين شرط متعهد شدند و تو دانستى که اينان به عهد خود پای بندند، پس ايشان را پذيرفتى و نزديکشان ساختى و علو ذکر و ثنائى آشکار عنایت فرمودى و فرشتگان را بر ايشان فرود آوردى و به وحى خود بزرگیشان دادى و از دانش خویش سیرابشان ساختى و آنها را واسطه و وسیله ورود به بهشت گردانيدى، يکى را در بهشت مسکن دادى تا اينکه از آنجا برونش آوردى و ديگرى را در کشتى ات سوار که دعا و به رحمت خویش با كسانى که بدو ايمان آورده اند از مرگ نجاتش بخشيدى و يکى را براى خویش دوست گرفتى و او زبان راستى را در امم آخر از تو خواست و تو تقاضايش را اجابت کردى و او را به جاىگاه والا رسانيدى و با يکى از (طريق) درخت سخن گفتى و براى او برادرش را مدافع و وزير قرار دادى و يکى را بى آنکه پدرى داشته باشد به دنيا آوردى و بدو بيّنات دادى و با روح القدس مؤيدش داشتى و براى هر يک شريعت و آيينى قرار دادى و جانشينانى برگزيدى تا هر يک پس از ديگرى حافظ و نگاهبان دين تو و بر بندگان تو حجت باشند از مدتى تا مدت ديگر و براى آنکه حق از قرارگاهش خارج نشود و باطل بر اهل حق چيرگى نياورد و كسى نگويد چرا بيم دهنده اى به

سوی ما نفرستادی و برای ما درفشی هدایتگر بر نیفراختی تا پیش از آنکه ذلیل و خوار شویم از نشانه های تو پیروی کنیم».

از هزار و صد و پنجاه سال پیش، یعنی از زمان ولادت آن حضرت «ع» در سال ۲۵۵ هجری تا این سال یعنی ۱۴۰۵ هجری، سرور ما مهدی «عج» در میان سجد کنندگان می گردد و شبها را با تهجد برای خدا زنده نگاه می دارد و روزها را به عبادت و تسلیم در برابر پروردگار جهانیان سپری می کنند. او منتظر فرا رسیدن لحظه یاری است تا زمانی که خداوند به او اجازه فرج دهد. ان حضرت نیز همانند دیگر مؤمنان از خداوند فرج نزدیک را خواستار است و در نتیجه به برترین اعمال امت محمد(ص) یعنی انتظار فرج مشغول است. آه که چه آبرویی در پیشگاه خداوند دارد! پس حاجتهای خود را فراوی خویش قرار دهیم و با توسل به او از پروردگاران بخواییم که این اندوه را از امت رنجدیده ما بزداید. بیایید او را به هنگام شدت یافتن دشواری بخوانیم و پروردگاران را به بنده صالحش که برای نصرت بندگان مستضعف خود او را ذخیره داشته سوگند دهیم تا عذاب را از ما بردارد. بیایید خدا را بخوانیم و با جدیت از او بخواییم که سیمای تابانش را به ما بنمایاند و ما را در جرگه یاران و یاورانش قرار دهد.